

# مبانی حریم خصوصی

(بر اساس منابع اسلامی)

محمد سروش

زمستان ۱۳۹۳

سروش، محمد، ۱۳۴۰ - .

مبانی حریم خصوصی (بر اساس منابع اسلامی) / محمد سروش . - قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه؛ تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت)، مرکز تحقیق و توسعه علوم انسانی، ۱۳۹۳. هشت، ۲۰۸ص: مصور. (پژوهشگاه حوزه و دانشگاه؛ ۲۹۹. حقوق؛ ۳۰) (سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت)، مرکز تحقیق و توسعه علوم انسانی؛ ۱۸۶۴. حقوق؛ ۱۱۱)

ISBN: 978-600-298-064-9

بها: ۷۶۰۰۰ ریال

فهرست‌نویسی بر اساس اطلاعات فیبا.

کتابنامه: ص [۱۸۹] - ۱۹۶؛ همچنین به صورت زیر نویس.

نمایه.

۱. حق صیانت از حریم شخصی (فقه). ۲. حریم شخصی - جنبه‌های مذهبی - اسلام. ۳. حق صیانت از حریم شخصی. الف. پژوهشگاه حوزه و دانشگاه. ب. سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت)، مرکز تحقیق و توسعه علوم انسانی، ج. عنوان.

۲۹۷/۳۷۹

۱۳۹۱ ۴ س ۴ ج ۶/۱۹۸ BP

۲۷۸۴۷۷۷

شماره کتابشناسی ملی



## مبانی حریم خصوصی (بر اساس منابع اسلامی)

مؤلف: محمد سروش

ویراستار: سعیدرضا علی‌عسکری

ناشران: «پژوهشگاه حوزه و دانشگاه» و «سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت)، مرکز

تحقیق و توسعه علوم انسانی»

صفحه‌آرایی: کاما

چاپ اول: زمستان ۱۳۹۳

تعداد: ۱۵۰۰ نسخه

لیتوگرافی: سعیدی

چاپ: قم - جعفری

قیمت: ۷۶۰۰۰ تومان

کلیه حقوق برای ناشران محفوظ و نقل مطالب با ذکر مأخذ بلامانع است.

قم: ابتدای شهرک پردیسان، بلوار دانشگاه، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، تلفن: ۰۲۵۳۲۱۱۱۱۰۰ (انتشارات ۳۲۱۱۳۰۰)، نمابر: ۳۲۸۰۳۰۹۰  
تهران: خیابان انقلاب، بین وصال و قدس، نبش کوی اُسکو، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، تلفن: ۶۶۴۰۲۶۰۰ و ۶۶۹۷۸۹۲۰

Website: www.rihu.ac.ir

Email: info@rihu.ac.ir

تهران: بزرگراه جلال آل‌احمد، تقاطع پل یادگار امام، روبه‌روی پمپ‌گاز، سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت)،  
تلفن: ۴۴۲۳۴۸۴۲۰۳، نمابر: ۴۴۲۳۴۸۷۷۷ □ تهران: خ انقلاب، خ ابوریحان، ش ۱۰۷ و ۱۰۹ - تلفن: ۶۶۴۰۸۱۲۰، نمابر: ۶۶۴۰۵۶۷۸

Website: www.samt.ac.ir

Email: info@samt.ac.ir



اسلام با فقه و احكام فقه باقى مانده است.

صحيفة نور، ج ۱۹، ص ۱۸۲

## پیام پژوهش

نیاز گسترده دانشگاه‌ها به منابع و متون درسی با نگرش اسلامی در رشته‌های علوم انسانی و محدود بودن امکانات مراکز علمی و پژوهشی که خود را موظف به پاسخگویی به این نیازها می‌دانند، ایجاب می‌کند، امکانات موجود با همکاری دانشگاه‌ها و مراکز پژوهشی در مسیر اهداف مشترک به خدمت گرفته شود و افزون بر ارتقای کیفی و کمی منابع درسی از دوباره‌کاری جلوگیری به عمل آید.

به همین منظور پژوهشگاه حوزه و دانشگاه و سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت)، مرکز تحقیق و توسعه علوم انسانی، پنجاه و هفتمین کار مشترک خود را با انتشار کتاب مبانی حریم خصوصی (براساس منابع اسلامی) به جامعه علمی کشور عرضه می‌کند. کتاب حاضر به عنوان منبع تحقیقی برای پژوهشگران، طلاب و دانشجویان در مقطع تحصیلات تکمیلی و به منظور استفاده مسئولان مربوط در قوای مقننه، مجریه و قضاییه تهیه و تدوین شده است. امید است مورد استفاده علاقه‌مندان قرار گیرد.

در پایان لازم می‌دانیم از گروه حقوق پژوهشگاه حوزه و دانشگاه در انجام این پژوهش و نیز مؤلف محترم حجت‌الاسلام والمسلمین آقای محمد سروش، همچنین آقایان حجت‌الاسلام والمسلمین دکتر سیدمصطفی محقق داماد و دکتر حسین مهرپور که ارزیابی این اثر را پذیرفتند، تشکر و قدردانی نماییم.

## فهرست مطالب

۳	فصل اول: تبیین مفاهیم
۳	پیشگفتار: مسئله‌ای کهن در فضایی نو
۳	الف) هجوم تکنولوژی بر حریم خصوصی
۴	ب) گسترش قلمرو دخالت دولت‌ها
۶	ج) تجارت اطلاعات
۸	د) افول ارزش‌های اخلاقی
۹	ه) سرخوردگی‌های اجتماعی و سیاسی
۱۱	گفتار اول: مفهوم حریم خصوصی
۱۶	گفتار دوم: قلمرو حریم خصوصی
۱۶	۱. حریم مکانی
۱۹	نقض حریم مکانی
۲۰	۲. حریم جسمی
۲۲	۳. حریم شخصیت
۲۳	۴. حریم خانواده
۲۴	۵. حریم اطلاعات شخصی
۲۵	۶. حریم ارتباطات شخصی
۲۶	۷. حریم لوازم شخصی
۲۶	گفتار سوم: نسبت حریم خصوصی
۲۹	گفتار چهارم: مفهوم و قلمرو حریم خصوصی در اسناد حقوقی
۳۳	گفتار پنجم: نظریه نهایی

۳۷	فصل دوم: تحلیل مبانی حریم خصوصی
۳۷	گفتار اول: مبنای فلسفی
۳۷	الف) اصالت فرد
۴۲	ب) خودمختاری
۵۰	ج) گرایش و میل به خلوت
۵۱	گفتار دوم: مبنای سیاسی
۵۱	آزادی
۵۴	گفتار سوم: مبنای حقوقی
۵۴	تفکیک زندگی عمومی و زندگی خصوصی
۵۶	گذار به مفهوم دیگری از عمومی و خصوصی
۵۹	گفتار چهارم: مبنای عرفانی
۵۹	الف) رعایت ستاریت
۶۲	ب) تقدم شفقت
۶۵	فصل سوم: مبنای فقهی حریم خصوصی
۶۵	گفتار اول: مستندات
۶۵	۱. سلطه بر خویش
۶۹	۲. حیثیت انسانی
۷۱	۳. ظلم
۷۳	۴. آزار و اذیت
۷۶	۵. نفی حرج
۷۷	۶. مفاسد اجتماعی
۷۹	۷. ورود به حق الله
۸۲	گفتار دوم: حق و تکلیف در حریم خصوصی
۸۲	الف) تکلیف حفظ حریم خصوصی
۸۷	ب) رضایت شخص
۹۰	ج) قلمرو رضایت
۹۶	گفتار سوم: مقتضای اصل در ورود به حریم خصوصی
۹۶	الف) اصل عدم ولایت
۹۸	ب) اصالة الاحتیاط
۱۰۰	تفاوت اصل در دخالت‌های شهروندان و اقدامات دولت

۱۰۱	نقد و بررسی
۱۰۳	اصل عدم عمومی بودن

#### فصل چهارم: قلمرو حقوق و تکالیف شهروندان

۱۰۵	گفتار اول: حق دانستن و قلمرو آن
۱۰۶	گفتار دوم: حق نظارت بر دولتمردان
۱۱۱	گفتار سوم: وظیفه امر به معروف و نهی از منکر
۱۱۸	الف) وظیفه نهی از منکرهای پنهان
۱۲۱	ب) وظیفه تجسس از منکرها
۱۲۵	بررسی نظریه مایکل کوک
۱۲۸	نهی از منکر، محکوم اصالة الصحة
۱۲۹	ج) تجسس در خانواده
۱۳۱	د) امر به معروف و اقدامات عملی
۱۳۱	۱. مبنای عقلی امر به معروف و نهی از منکر
۱۳۳	۲. مبنای نقلی امر به معروف و نهی از منکر
۱۳۳	الف) اطلاق امر و نهی
۱۳۶	ب) نصوص روایی
۱۴۴	تفسیر دیگر اقدام عملی

#### فصل پنجم: قلمرو حقوق و تکالیف دولت اسلامی

۱۴۹	گفتار اول: مسئولیت اجرای احکام شرعی
۱۵۱	۱. فلسفه تکلیف
۱۵۱	الف) تحلیل وحیانی
۱۵۵	ب) تحلیل عقلانی
۱۵۹	۲. قلمرو اجبار دولت در اجرای شریعت در حریم خصوصی
۱۵۹	دیدگاه اول
۱۶۱	الف) مسئولیت دولت
۱۶۴	ب) امکان اجبار بر تکالیف
۱۶۷	ج) کاربرد تعزیر
۱۶۸	نقد دیدگاه اول
۱۶۸	الف) نقد نظریه

۱۶۹	.....	ب) نقد مستندات
۱۷۲	.....	دیدگاه دوم
۱۷۳	.....	نقد دیدگاه دوم
۱۷۵	.....	دیدگاه سوم
۱۷۶	.....	نقد دیدگاه سوم
۱۷۹	.....	دیدگاه چهارم
۱۸۱	.....	گفتار دوم: مسئولیت تأمین امنیت و منافع عمومی
۱۸۲	.....	الف) نفع عمومی
۱۸۵	.....	ب) تقدم مصلحت عمومی بر حریم خصوصی
۱۸۹	.....	<b>منابع و مأخذ</b>
۱۹۷	.....	<b>نمایه‌ها</b>
۱۹۷	.....	آیات و روایات
۲۰۰	.....	اعلام
۲۰۲	.....	موضوعات



## بسم الله الرحمن الرحيم

حریم خصوصی به عنوان قلمرویی از زندگی که شخص نمی‌خواهد دیگران خودسرانه وارد آن شوند، از جمله مسائلی است که تبیین موضع فقه اسلامی درباره آن ضروری است. برای این کار نخست باید «قلمرو موضوع» را مشخص نموده و سپس «مبانی» آن را به عنوان حق یا حکم تحلیل کرد.

رویکرد فقهی این پژوهش موجب آن است که در بررسی جنبه‌های فلسفی و حقوقی مسئله، به اشاره‌ای گذرا اکتفا شود و جنبه‌های فقهی بحث از تفصیل بیشتر برخوردار بوده و به اقتضا سنت فقه اجتهادی، با نقد و بررسی آرا و ادله مختلف همراه باشد.

بدون تردید کاوش درباره موضوعی که هنوز زوایای گوناگون آن مورد تحقیق کافی قرار نگرفته، با ضعف‌ها و کاستی‌هایی همراه است که با توجه و عنایت اهل نظر، تکمیل شدنی است.

البته کتاب حاضر به بررسی «مبانی» حریم خصوصی اختصاص دارد و نویسنده در اثر دیگری به «احکام» آن پرداخته است. از همه استادان و دوستانی که از مساعدتشان برخوردار بوده‌ام، سپاسگزارم. والحمد لله رب العالمین.

محمد سروش

تابستان ۱۳۹۰



## فصل اول

### تبیین مفاهیم

#### پیشگفتار: مسئله‌ای کهن در فضایی نو

حفظ حریم خصوصی، در حد برخی از مصادیق قدیمی آن مثل جلوگیری از تجسس، همیشه برای انسان‌ها باارزش بوده است، ولی در عصر ما تحولاتی در زندگی بشر رخ نموده که حساسیت بیشتر انسان متجدد را به مقوله حریم خصوصی معطوف داشته است؛ به گونه‌ای که آنچه امروز در این زمینه مورد بحث و گفتگو قرار می‌گیرد، و در قالب کتاب و مقاله منتشر می‌گردد، یا به شکل قانون، درآمده و اعتبار پیدا می‌کند، تا پنجاه سال قبل، به طور کلی بی سابقه بوده است. علل و عوامل ذیل در اهمیت پیدا کردن این حق برای انسان‌های امروزی دخالت دارند:

#### الف) هجوم تکنولوژی بر حریم خصوصی

افزایش حساسیت‌ها، ناشی از افزایش دخالت‌هایی است که امکان‌پذیر شده، و این دخالت‌ها، به دلیل هجوم تکنولوژی بر حریم خصوصی است. تکنولوژی، ورود به حریم خصوصی دیگران را بسیار آسان و سریع کرده است و آنچه که در گذشته، به ندرت و به دشواری، قابل دستیابی بود، با ابزارهای مدرن کنونی، به سهولت و به شکل گسترده در دسترس است. مثلاً کمیسیون اصلاحات حقوقی استرالیا در گزارش سال ۱۹۸۳م، خود درباره حریم خصوصی، برخی از فناوری‌های نوین را نام برده است که همگان می‌توانند با سهولت تهیه کرده و برای نقض حریم خصوصی دیگران، مورد استفاده قرار دهند. مثلاً درباره پُست می‌گوید: ابزارهای طولانی و فوق‌العاده ریز این امکان را فراهم آورده است که نامه‌های موجود در صندوق‌های پُست را با پیچیدن دور آنها از صندوق‌ها خارج کنند، با

اسپری‌های خاص می‌توان متن بعضی نامه‌ها را نامرئی کرد، و بعضی تجهیزات اسکن الکتریکی می‌توانند با توجه به بسیاری از جوهرهای به‌کاررفته در کاربن‌ها، متن آنها را شناسایی کنند. این کمیسیون فهرست نمونه‌ای از وسایل سمعی و بصری را که برای نقض حریم خصوصی می‌تواند به‌کار گرفته شود ارائه کرده است، از قبیل میکروفون‌های پارابولیک که بیش از ۲۵۰ متر بُرد دارد، وسایل شنود که در داخل «کارت‌های تجاری» پنهان می‌شوند، میکروفون‌های ریز که در ساعت‌ها، جادکمه‌ها، خودکارها و کروات‌ها جاسازی می‌شوند، فرستنده‌های بسیار ریز که کوچک‌تر از یک حبه قند هستند و مکالمات افراد را از مسافت ده متری ضبط نموده و با کیفیت خوب، تا مسافت ۱۵۰ متری ارسال می‌کند، ارستتوسکوپ‌های الکترونیکی که ارتعاشات و امواج مکانیکی را جذب کرده، تا ۱۰ هزار برابر تقویت می‌کنند و امکان شنود مکالمات را از طریق پنجره‌ها، درها و دیوارها فراهم می‌آورند و....<sup>۱</sup>

### ب) گسترش قلمرو دخالت دولتها

پیدایش ابزارهای مدرن، زمینه حضور جدی‌تر و فعال‌تر دولتها را برای کنترل حریم خصوصی شهروندان فراهم آورده و آنان در محاصره چشم‌ها و گوش‌های نامرئی قرار داده است. دولتها معمولاً با توجیحات امنیتی، این اقدامات را انجام می‌دهند، ولی به هر حال دست آنها برای هرگونه بهره‌برداری از این ابزار باز است و کمتر می‌توان ردپای اقدامات آنان را پیدا کرد. نمونه‌ای از این فعالیت‌ها، استفاده از دوربین‌های مداربسته در مکان‌های عمومی است. با رهگیری از طریق این دوربین‌ها و اتصال آن به «نرم‌افزار چهره‌شناس» این سیستم می‌تواند از چهره‌های افراد در رستوران‌ها، فروشگاه‌ها، ورزشگاه‌ها و دیگر محل‌های عمومی، تصویر گرفته و آن را با سوابق موجود تطبیق داده و متخلفان را شناسایی کند. استفاده از این سیستم‌ها به قدری رواج یافته که مدیر بین‌المللی حمایت از حریم خصوصی مستقر در لندن، ضمن اظهار نگرانی از چنین نقض آشکاری از حق حریم خصوصی می‌گوید: این دوربین‌ها به‌زودی، به یکی از اجزای ثابت در معماری تبدیل خواهد شد و در آینده مجبور خواهیم بود که این دوربین‌ها را در «درون خانه‌هایمان» هم

۱. انصاری، حقوق حریم خصوصی، ص ۴۲-۴۵.

داشته باشیم! و مدیر پیشین بخش جامعه اطلاعاتی یونسکو در حمایت از حریم خصوصی و در انتقاد از نفوذ دولت‌ها به این حریم می‌گوید:

... آمریکا با همکاری انگلستان، کانادا، استرالیا و نیوزیلند از شبکه‌های اطلاعاتی که در اختیار دارند، برای شنود، کنترل و پردازش اطلاعات روزانه بیش از سه میلیارد پیام تلفنی، دورنگار، و پست الکترونیکی در سراسر دنیا استفاده می‌کنند، و هرگونه حرکت و فعالیت افراد در خانه و محل کار و مکان فراغت و مانند آن را تحت کنترل دارند.<sup>۱</sup>

وجود چهار میلیون دوربین مداربسته، و پرواز هواپیماهای جاسوسی بدون سرنشین، چنان وضعی در انگلیس به وجود آورده است که شهروندان بریتانیایی پیوسته خود را تحت نظارت می‌بینند، یعنی برای هر چهارده نفر یک دوربین نصب شده است به طوری که اگر یک شهروند انگلیسی یک روز در اطراف پایتخت بگردد، در معرض بیش از ۳۰۰ بار تصویربرداری قرار دارد.<sup>۲</sup>

سازمان‌های اطلاعاتی با امکانات پیشرفته‌ای که در اختیار دارند، حاضر نیستند از هیچ زاویه خلوتی برای شهروندان صرف نظر کنند، آنان می‌خواهند به «همه چیز»، و «همه کس»، و «در همه جا»، و «در همه وقت» دسترسی داشته باشند، بخشی از این اهداف، در اثر ارتباط آنان با کامپیوتر اشخاص، قابل دسترسی است.

در دسامبر ۲۰۰۱م سازمان اف. بی. آی، استفاده از یک روش رهگیری به نام فانوس جادویی را مورد تأیید قرار داد که براساس آن، می‌تواند با ارسال یک ویروس کامپیوتری، بدون دسترسی فیزیکی به کامپیوتر مورد نظر، اطلاعات موجود در آن را هدف قرار داده و نابود سازد.

متأسفانه شهروندان در برابر این‌گونه دخالت‌ها، کمتر می‌توانند به رعایت حقوق خود اطمینان داشته باشند:

نیکودمو اسکارنوا که مضمون به همکاری با مافیاست و ۳۵ سال دارد در نیویورک محاکمه می‌شود، او عادت داشت که مسائل خانوادگی را از طریق کامپیوتر خود اداره کند و با تجربه زیادی که در امور کامپیوتر داشت تمام نوشته‌های خود را رمزگذاری می‌کرد، با این حال، اف. بی. آی. به کلمات عبور او دست یافت، مأموران در دفتر کارش سیستمی را قرار داده بودند که به‌طور دائمی و مستقیم می‌توانست حروف تایپ شده از طریق صفحه

۲. کیهان، ۱۳۸۶/۳/۹.

۱. معتمدنژاد، جامعه اطلاعاتی، ص ۳۳۲.

کلید را بخواند. اف.بی.آی توضیح داد که برای این کار، نیازی به مجوز نداشته، زیرا این نوع شنود، از طریق تعبیه میکروفون در خطوط تلفن انجام نگرفته! اف.بی.آی حاضر به ارائه توضیح درباره این سیستم فوق محرمانه در دادگاه نیست.<sup>۱</sup>

ماهواره‌های جاسوسی آمریکا، هم‌اینک در وضعی قرار دارد که می‌تواند از ۲۰۰ مایلی جو زمین، پلاک خودروها را بر روی زمین نشان دهند.<sup>۲</sup>

### ج) تجارت اطلاعات

ورود به حریم خصوصی دیگران، در دنیای مدرن، جنبه اقتصادی نیز دارد و به دلیل «سودآوری»، برای سوداگران، جاذبه زیادی دارد، در گذشته خرید و فروش اطلاعات، از موارد نادر جاسوسی و از حوزه‌های امنیتی فراتر نمی‌رفت، ولی امروزه زمینه‌های فراوانی برای سوءاستفاده مالی از اطلاعات خصوصی مربوط به افراد وجود دارد مطبوعات کشور، در سال ۸۵ نوشتند.

در آذرماه ۱۳۸۵ فیلمی غیر اخلاقی منتسب به یکی از هنرپیشه‌های زن پخش شد که طبق گفته فرمانده نیروی انتظامی گردش مالی قریب «چهار میلیارد تومانی» برای توزیع‌کنندگان آن در پی داشت! رقم بی‌سابقه‌ای که حتی گران‌ترین فیلم تاریخ سینمای ایران هم به آن نرسیده است!

البته سوءاستفاده‌های مادی، اختصاص به تکثیر و توزیع صحنه‌های ضد اخلاقی ندارد، نمونه دیگر آن جمع‌آوری اطلاعات و استفاده از آن در امور تجاری است. مثلاً مشتریانی که با یک شرکت داد و ستد دارند، کلیه اطلاعات مربوط به آنان جمع‌آوری و پردازش می‌شود، و سپس برای اهداف مختلفی به فروش می‌رسد:

در حال حاضر اقدامات یک سازمان در ارتباط با به‌کارگیری اطلاعات شخصی، چیزی نیست که اکثر مردم از آن خبردار باشند، میزان پولی که می‌توان از طریق گردآوری و فروش اطلاعات شخصی کسب کرد، انگیزه بزرگی به دست شرکت‌ها و مؤسسات می‌دهد که تا آنجا که مقدورشان باشد، از آن اطلاعات استفاده کنند، به‌طور مثال، چندی

---

۱. گزارش لیبرالسون، ۲۶ اوت ۲۰۰۱م، تحت عنوان «ایالات متحده و هجوم تکنولوژی به حریم خصوصی»، مجله ترجمان سیاسی، ترجمه علی اکبرپور.  
۲. «گزارش هرالد تریبیون بین‌المللی»، ترجمه جمشید مانیان، رسالت ۱۳۸۰/۶/۲۸.

پیش یک تأمین‌کننده عمده اطلاعات اینترنتی بر آن شد تا فهرست مشترکانش را به طرف ثالثی بفروشد.<sup>۱</sup>

جابه‌جایی اطلاعات و پردازش آن، کار پیچیده و دشواری نیست و به راحتی می‌توان از آن به درآمد رسید، مثلاً فردی را در نظر بگیرید که با کارت اعتباری خود یک دیسک جدید فیلم خریده است، سه هفته بعد، و از طریق پست، خرید کالایی به وی پیشنهاد می‌شود که کاملاً با ذائقه و پسندش انطباق دارد، نوشیدنی، لباس، کتاب، لوازم خانگی و حتی اتومبیل و یا هر کالای دیگری که مورد سلیقه اوست. جریان از این قرار است که شرکت صادرکننده کارت اعتباری، گزارش کلیه خریدهایی را که این مشتری انجام داده، به شرکت دیگری که دست‌اندرکار فروش کالا از راه دور است، «فروخته» است، و او این گزارش را با عملکرد کارت اعتباری تلفیق کرده و با یک برنامه کامپیوتری، یکی کرده و اطلاعات این شخص را به عنوان فردی که به فلان فیلم، فلان غذا، فلان پارک، فلان لباس، و... علاقه دارد، طبقه‌بندی نموده است، در مرحله بعد، این سوابق، با سوابق پزشکی فرد، تکمیل می‌شود و در اختیار «کارفرمای» او قرار می‌گیرد، و بالأخره برای «همه کارفرمایان» بالقوه دست‌یافتنی می‌شود که این آقا یا خانم، سابقه کمردرد یا دیابت دارد، در خانواده او چه مشکلاتی وجود دارد و....

فروش اطلاعات و بازاریابی، یکی از چالش‌های جدی در برابر حریم خصوصی است که در جوامع سرمایه‌داری، به‌رغم شعارهایی که برای حمایت از حریم خصوصی مطرح می‌شود، وجود دارد. در آمریکا، به دلیل آنکه سیاست منسجم و ضمانت‌های تعریف‌شده قانونی کمتری برای حمایت از این حق وجود دارد، استفاده از داده‌های شخصی برای بازاریابی، رونق بیشتری نسبت به اروپا دارد. کارشناسان آمریکایی معتقدند اروپایی‌ها با در اختیار نگذاشتن داده‌های شخصی، شانس بازاریابی را از دست می‌دهند، امروزه از «اطلاعات» به عنوان شاهرگ «فرهنگ سرمایه‌داری» نام برده می‌شود و برای گسترش این اطلاعات، چاره‌ای جز ورود به حریم خصوصی شهروندان وجود ندارد. انسان امروز می‌خواهد با پناه بردن به حریم خصوصی، خود را از چنگال سوداگران، نجات دهد.

۱. نورانی بیدخت، «حریم خصوصی افراد در جریان بین‌المللی داده‌ها»، مجله رسانه، س ۱۰، ش ۲، ص ۱۴.

## د) افول ارزش‌های اخلاقی

در میان طرفداران حریم خصوصی، افرادی نیز هستند که به دلیل اباحی‌گری و ضدیت با ارزش‌های اخلاقی، از این نظریه دفاع می‌کنند، آنان برای رها بودن از قیدوبندهای اخلاقی و به استناد آنکه اخلاق موضوعی کاملاً شخصی است و نباید دولت در آن دخالت کند، خود را در پناه حریم خصوصی قرار می‌دهند. نمی‌توان انکار کرد چنان‌که پیشرفت تکنولوژی، حوزه حریم خصوصی را به شدت کاهش داده، با افول ارزش‌های اخلاقی نیز، بخش‌هایی از زندگی اخلاقی، با امواج حریم خصوصی، زیر آب رفته است. مثلاً تا دهه ۱۹۵۰م، عموماً پذیرفتنی بود که دولت حق دارد، همجنس‌گرایی، روسپی‌گری، نمایش تصاویر سکس، سقط جنین، و بسیاری از اعمال مربوط به این‌گونه رفتارها را «جرم» بداند، ولی تغییرات فرهنگی و اجتماعی در دهه‌های پسین، باعث بازنگری گسترده‌ای در قوانین این حوزه شد. کشمکش وقتی آغاز شد که کمیته ویلفندن در سال ۱۹۵۷م، دو پیشنهاد به دولت عرضه کرد:

۱. روسپی‌گری خصوصی باید مجاز و فاحشه‌گری آشکار غیر قانونی دانسته شود.

۲. اعمال همجنس‌گرایانه خصوصی میان مردان بالای ۲۱ سال که با رضایت انجام می‌گیرد باید قانونی باشد.

استدلال این کمیته آن بود که هر رفتار فردی، که تهدیدی برای دیگر شهروندان و یا حفظ نظم و آداب عمومی نباشد، باید برون از قلمرو دخالت قانون باقی بماند، و «قلمرو خصوصی» در حیطه وظایف قانون نیست:

وظیفه قانون جزا حفظ نظم و آداب عمومی برای حفظ شهروندان از آسیب و تجاوز به آنان و فراهم کردن زمینه‌های مطمئن در برابر بهره‌کشی از دیگران و به فساد کشیدن آنان، به‌ویژه گروه‌های آسیب‌پذیر چون کودکان، ضعفا و افراد بی‌تجربه می‌باشد، به باور ما وظیفه قانون دخالت در زندگی خصوصی شهروندان و تحمیل الگوی رفتاری ویژه نیست.<sup>۱</sup>

افراد و گروه‌های لابی‌ها به گمان آنکه با «حریم خصوصی» می‌توان خود را از قیود اخلاقی رها ساخت، و از شمول قانون نیز جلوگیری کرد، به طرح و حمایت از حق حریم خصوصی اقدام می‌کنند، در جوامعی که این فرهنگ، پذیرفته شده است، وقتی که ناهنجاری‌های اخلاقی و روابط نامشروع جنسی، بر ملا می‌شود، چندان حساسیت برانگیز

---

۱. تیت، فلسفه حقوق، ص ۱۷۸.



نیست و به عنوان موضوعی که به خود شخص مربوط می‌شود، مورد اعتنای چندانی قرار نمی‌گیرد، ولی در جوامعی که ارزش‌های اخلاقی و احکام دینی، نفوذ دارد، این‌گونه رفتارها، عکس‌العمل‌های شدید اجتماعی به دنبال دارد و گاه به بروز بحران‌هایی می‌انجامد. نمونه‌ای از این بحران‌ها که با قتل یا خودکشی همراه است در صفحات حوادث روزنامه‌ها دیده می‌شود:

- دختر جوانی به خاطر پخش فیلم خصوصی که مربوط به جشن تولد یکی از دوستانش بود و او هم شرکت کرده بود، دست به خودکشی زد؛
- پدری در ورامین، دخترش را به اتهام حضور در یک مراسم جشن به قتل رساند، او تحت تأثیر برخی از فیلم‌های مستهجن، به رفتارهای نامناسبی دست زده بود.

#### ه) سرخوردگی‌های اجتماعی و سیاسی

گرایش‌های جامعه‌گريزانه نیز یکی از عوامل پناه آوردن انسان مدرن به حریم خصوصی است. این گرایش‌ها بازتابی از بدبینی انسان معاصر به دنیای سیاست و تنفر وی از این عالم است. افرادی که دچار این بدبینی و تنفر می‌شوند، به زندگی خصوصی خود برمی‌گردند و با بیهوده دانستن کنش‌های عمومی و فعالیت‌های سیاسی، فضیلت را در انزوا و گوشه‌گیری می‌بینند:

در دوران هلنیستی، شهر-دولت‌های به‌نسبت همگون، به افول گرایید، فلسفه‌هایی نزدیک به فردگرایی لیبرال، با تأکید بر بیهودگی و پستی سیاست، و فضیلت‌های گوشه‌گیری و تزکیه نفس پدیدار شدند، احساسی که اودن را در این عبارت بیان کرده:

چهره‌های خصوصی در اماکن عمومی

خردمندان‌تر و زیباتر از

چهره‌های عمومی در اماکن خصوصی است

امروز هم لیبرال‌ها معتقدند که بیشتر مردم «نمی‌خواهند» در سیاست مشارکت جویند، آنها به‌طور طبیعی، «زندگی خصوصی» را ترجیح می‌دهند.<sup>۱</sup>

لیبرال‌ها، مردم را به بی‌تعهدی نسبت به حوزه عمومی، دعوت نمی‌کنند و مشارکت در زندگی عمومی را مذمت نمی‌نمایند، ولی به هر حال وقتی قدر و ارزش زندگی خصوصی را

۱. آریلاستر، لیبرالیسم غرب، ص ۶۶.

بالا می‌برند، قهراً اعتبار زندگی عمومی را کاهش می‌دهند، آنتونی آربلاستر، به صورت آشکار این رابطه را توضیح داده است:

انگیزه گوشه‌گیری بار دیگر در قرن بیستم توسط نویسندگانی از قبیل فورستر، ارول و آنگوس ویلسون، تجدید حیات پیدا می‌کند، فورستر می‌گوید: کتاب‌های من بر اهمیت مناسبات شخصی و زندگی خصوصی تأکید دارند، روی دیگر این سکه، فقدان هرگونه اعتماد نسبت به فعالیت‌های عمومی و سیاسی بود، «در جهان سیاست، نورستگاری نیست». بدین ترتیب «حریم خصوصی» اهمیت بیشتری پیدا می‌کند. لیبرالیسم در روایت‌های اخیرش، تقریباً به‌طور کلی و با نومی‌دی، از دنیای عمومی بریده است. تمامی آنچه که از لیبرالیسم مبارزه‌طلب و جنگجوی پیشین باقیمانده است، حرکات ضعیفی از آگاهی سیاسی، یا نوعی ناآرامی مبهم است. لیبرالیسم که امید پذیرش ارزش‌های خود در عرصه عمومی را ازدست داده است، خود را در حفظ آنها در معدودی سرپناه، و محدوده‌های بسته خصوصی راضی می‌کند، دفاع از «حریم خصوصی»، لزوماً نشانهٔ عقب‌نشینی یا شکست نیست، اما در لیبرالیسم معاصر چنین مفهومی پیدا کرده است.<sup>۱</sup>

بررسی علل و عوامل سرخوردگی انسان مدرن از دنیای سیاست، مربوط به این پژوهش نیست، آنچه در اینجا مهم است تأثیر این سرخوردگی، در پناه آوردن به حریم خصوصی و اهمیت مضاعف پیدا کردن، این مقوله، در جوامع مترقی است. یکی از تک‌نگاری‌های خواندنی در این موضوع، رسالهٔ اندرو گمبل است. وی در این رساله بررسی می‌کند که چرا یأس و سرخوردگی از سیاست در غرب، به وجود آمده و در حالی که زمانی سیاست به عنوان فعالیتی که می‌تواند برای جوامع، امکان «حاکمیت بر سرنوشت خود» را به ارمغان آورد، عزیز بود، امروز به عکس، بدبینی مفرط و عمیقی جایگزین آن شده است. او می‌گوید ویژگی این نومی‌دی، گفتمان‌های «پایان‌باوری» است: پایان تاریخ، پایان سیاست، و یکی هم «پایان قلمرو عمومی» پایان قلمرو عمومی یکی از فصول این رساله را تشکیل می‌دهد.<sup>۲</sup> به هر حال در آغاز قرن بیست و یکم، قلمرو عمومی، با چالش‌های فراوانی مواجه است، و نویسندگان فراوانی رو به زوال بودن آن را اعلام می‌کنند، افول مشارکت در امور عمومی در میان شهروندان، به شکل‌های مختلفی از قبیل کم شدن عضویت در احزاب، کم شدن شرکت در رأی‌گیری، کم شدن شرکت در گردهمایی‌های عمومی، خود را نشان می‌دهد. و

۱. همان، ص ۱۰۶.

۲. گمبل، سیاست و سرنوشت، ص ۹۳.

روشنفکران که خاصیتشان حضور فعال در گفتمان عمومی بود، در همه کشورها در حال عقب‌نشینی هستند و در این فضا، توجه بیشتر مردم، به زندگی خصوصی خودشان است. و دولت هم برای تسهیل هم زندگی خصوصی، خواسته می‌شود:

در اینکه روندهایی در این جهت وجود دارد، جای شک و تردیدی نیست، و نمی‌توان این مطلب را انکار کرد. بسیاری از امیدهایی که به دموکراسی بسته شده بود، تحقق نیافته است... اما این خصلت‌بندی هم ناقص است. دوران مدرن از همان روزهای نخستینش با فهم متفاوتی از رابطه «عمومی» و «خصوصی»، مشخص شد، در این فهم، امر خصوصی، دست بالاتر را داشت، هدف هر رژیمی در دوران مدرن، تسهیل و فزون‌تر کردن دسترسی به تمناها و نیازهای خصوصی است.<sup>۱</sup>

این توضیحات برای نشان دادن آنکه مسئله حریم خصوصی برای انسان امروز، صرفاً یک «مسئله حقوقی» نیست کافی به نظر می‌رسد، و با توجه به همین مسائل می‌توان به درستی فهمید که مشکل حریم خصوصی در جوامع اسلامی، با شکل حریم خصوصی در جوامع غربی، تفاوت‌هایی دارد و وجود برخی تشابه‌ها، نباید ما را به غفلت از این تفاوت‌ها بکشاند و شاید به همین دلیل است که هرچند نیاز به حریم خصوصی را همه انسان‌ها، و در همه جوامع، ضرورت آن را درک می‌کنند، ولی درک انسان غربی از این ضرورت، بسیار جدی‌تر بوده و او به دلیل مداخله‌های بیشتری که برای زندگی خصوصی‌اش احساس می‌کند، یا به دلیل آنکه قلمرو وسیع‌تری برای زندگی خصوصی می‌بیند، تلاش بیشتری هم برای حفظ آن دارد.

### گفتار اول: مفهوم حریم خصوصی

تاکنون مفهوم واحد و تعریف جامعی از حریم خصوصی که مورد توافق نظر میان متفکران قرار داشته و در حقوق مورد استناد همگان باشد، ارائه نگردیده است. به‌علاوه مبانی فلسفی، انسان‌شناختی و جامعه‌شناختی این مفهوم، چندان متنوع و مورد اختلاف نظر است که دستیابی به یک نظریه واحد را غیر ممکن می‌سازد. در حقوق و سیاست، از حریم خصوصی به عنوان مفهومی «سیال» یاد می‌شود که در فرهنگ‌های مختلف دارای قلمروهای متفاوتی است. برخی هم آن را مفهومی «مبهم» دانسته‌اند:

---

۱. همان، ص ۱۰۴.

آرتور میلر: تعریف حریم خصوصی دشوار است، زیرا حریم خصوصی یک مفهوم بسیار مبهم و شکننده‌ای است.  
ویلیام بی‌نی: حتی جدی‌ترین مدافعان حق حریم خصوصی باید اعتراف کنند که مشکلات جدی در تعریف ذات و قلمرو این حق وجود دارد.  
تام گرتی: حریم خصوصی برای حقوق‌دانان بیش از هر چیز دیگری واجد یک ظرفیت متلون و متغیر است.<sup>۱</sup>

تعریف‌هایی که درباره حریم خصوصی ارائه شده، ناظر به یکی از این وجوه است:

- حق تنها ماندن؛
- محدودیت در دسترسی به خود و توانایی ایجاد مانع در برابر دسترسی ناخواسته به انسان؛
- پنهان ماندن از دیگران و محرمانه نگاه داشتن برخی امور از آنها؛
- کنترل بر اطلاعات شخصی؛
- حمایت از کرامت و شخصیت؛
- صمیمیت و نزدیکی.

در میان این وجوه شش‌گانه، دو وجه اخیر ناظر به غایت این حق است و چندان کلی است که در بسیاری از حقوق دیگر می‌توان به عنوان غایت، از آنها نام برد. دو وجه قبل از آن هم، دارای مضمون مشترکی هستند و تفاوت جوهری با هم ندارند؛ زیرا پنهان داشتن برخی امور از دیگران، شامل کنترل بر اطلاعات شخصی نیز می‌شود، درباره «حق تنها ماندن» یا «دسترسی محدود به خود» هم می‌توان گفت که با این تفسیر، حق خلوت، به خلوت فیزیکی و اطلاعاتی محدود شده و شامل تعرض به حیثیت و آبروی اشخاص نمی‌شود.

نمونه‌ای از تعریف‌های ارائه شده، عبارت‌اند از:

**الف) حق اخفای امور خصوصی:** وین فیلد که یکی از قدیمی‌ترین مقالات را در این باره نوشته است، از این تفسیر استفاده کرده و حریم خصوصی را به «محرمانه بودن خصوصیات شخص یا مال او از انظار عموم» معنی کرده است.<sup>۲</sup> وی اعتقاد دارد که شرایط جامعه در

---

۱. ر.ک: نیسن بام، «حمایت از حق خلوت آدمیان در عصر ارتباطات»، مجله پژوهش‌های حقوقی، ترجمه عباس ایمانی، ش ۲، ص ۱۷۱؛ انصاری، «حریم خصوصی و حمایت از آن در حقوق اسلام، تطبیقی و ایران»، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، ش ۶۶، ص ۱. ۲. هارلو، شبه‌جرم، ص ۱۶۳.

«زمان حاضر» چنین حقی را ایجاد کرده است، لذا از مجلس اعیان می‌خواهد که حق اخفای امور خصوصی را به همان اندازه، مانند اعتبار و حیثیت به عنوان منفعتی در حوزه حمایت، به رسمیت بشناسد.

ب) حق تمتع از زندگی خصوصی: به معنی «حق زندگی در خانه خود بدون نگاه‌های مزاحم دیگران، حق بودن در یک اتاق خواب یا اتاق خصوصی، بی‌آنکه شخص مزاحمی بتواند وارد آن شود»، این تفسیر از سوی برخی حقوق‌دانان آمریکایی، مطرح شده است.<sup>۱</sup>

ج) حق برخورداری از یک پناهگاه: هِلن نیس بام، حق خلوت را متضمن یک «پناهگاه امن» می‌داند و آن را این‌گونه توضیح می‌دهد:

حق خلوت آدمیان، متضمن یک پناهگاه امن، یا منطقه حفاظت‌شده برای آدمیان است که مردم در آن می‌توانند از بازرسی دقیق و موشکافانه و احتمالاً نكوهش دربارهٔ امور شخصی خود رها و آزاد باشند، شرایط ویژه زندگی خود را مشخصاً کنترل نموده و روش بروز خود در اجتماع را مشخصاً هدایت کنند و آن‌گونه که می‌خواهند عیان شوند و با اطرافیان خود ارتباط آزاد، با حدود خود خواسته، برقرار نمایند.<sup>۲</sup>

در برابر این‌گونه تعریف‌ها، حقوق‌دانانی نیز هستند که تمایلی برای ارائه تعریف نداشته، و یا آن را غیر ممکن می‌دانند. مثلاً دادگاه انگلستان در دعوایی، در مورد «زندگی خصوصی» که تعبیر دیگری از خلوت شخص است، چنین اظهار نظر کرده است: دادگاه تعریف جامعی از زندگی خصوصی را نه ممکن، و نه ضروری می‌داند، اگرچه محدود کردن آن به محدوده‌ای که شخص برمی‌گزیند تا درون آن محدوده زندگی شخصی خود را براساس انتخاب‌های خود، بگذراند و جهان خارج از آن محدوده به‌هیچ‌وجه شامل آن نشود، نیز تعریف مضیق‌تری خواهد بود.

در اسناد حقوقی هم معمولاً، به جای تبیین مفهومی حریم خصوصی، به بیان مصادیق روشن آن، مثل احترام به شرافت و شخصیت شخص، حق برخورداری از تمامیت جسمی و روحی، حق برخورداری از کنترل بر اطلاعات شخصی، داشتن روابط عاطفی با دیگران، در معرض دخالت رسانه‌های جمعی نبودن، مصون بودن زندگی خصوصی، عکس، اطلاعات و مکالمات تلفنی، اشاره شده است. در ماده ۱۷ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی

۱. فردیناند، نهادهای اساسی حقوق اساسی ایالت متحده آمریکا، ص ۱۹۴.

۲. نیس بام، «حمایت از حق خلوت آدمیان در عصر ارتباطات»، مجله پژوهش‌های حقوقی، ش ۱۶، ص ۱۷۱.

آمده است: هیچ‌کس نباید در زندگی خصوصی و خانواده و اقامتگاه و یا مکاتبات مورد مداخلات خودسرانه یا خلاف قانون قرار گیرد و همچنین شرافت و حیثیت او نباید مورد تعرض غیر قانونی واقع شود.

یکی از روشن‌ترین تبیین‌هایی که براساس استقصاء مصادیق، از حریم خصوصی ارائه شده است، تعریفی است که کمیسیون بین‌المللی حقوق‌دانان در کنفرانس کشورهای شمال اروپا در سال ۱۹۶۷م، ارائه نمود:

«حق خلوت، حقی است که هرکس باید به حال خود گذاشته شود تا با کمترین دخالت دیگران به زندگی خود بپردازد، اموری که باید زندگی اشخاص در قبال آنها حمایت شود عبارت‌اند از:

۱. دخالت در زندگی خصوصی، مسکن و خانواده؛
۲. دخالت در تمامیت جسمانی و ذهنی یا آزادی روحی و فکری؛
۳. تعرض به شرف، آبرو و اعتبار شخص؛
۴. در معرض تهمت قرار گرفتن؛
۵. افشای غیر موجه اموری از زندگی شخصی که موجب ایذا می‌شود؛
۶. استفاده از نام، هویت، یا تشابه با وی؛
۷. جاسوسی، دخالت بی‌مورد، مشاهده، یا تحت مراقبت قرار دادن شخص؛
۸. دخالت در مکاتبات شخص؛
۹. افشای اطلاعاتی که در نتیجه اعتماد شغلی از کسی دریافت کرده و یا به کسی داده است؛
۱۰. سوءاستفاده از مکاتبات خصوصی، نوشته‌های خصوصی، یا اظهارات شفاهی خصوصی».<sup>۱</sup>

براساس تعریف‌های مختلفی که از حریم خصوصی وجود دارد، «مواردی» را می‌توان نام برد که براساس «همه» تعریف‌ها، از حریم خصوصی شمرده می‌شود و مصداق قطعی آن در نزد همگان است، همچنین مواردی هم وجود دارد که مورد اختلاف نظر قرار می‌گیرد و هرچند مشمول برخی تعریف‌هاست، ولی از تعریف‌های دیگر خارج است، مثلاً «فضای

---

۱. ر.ک: متین دفتری، حقوق بشر و حمایت بین‌المللی از آن، ص ۱۱۳.

فیزیکی» زندگی افراد مثل «خانه»، قطعاً در حریم خصوصی قرار دارد، ولی آیا می‌توان حریم خصوصی را به آن اختصاص داد؟

اگر زندگی خصوصی را فضای فیزیکی خاص مربوط به یک فرد بدانیم که دیگران بدون اجازه او نمی‌توانند وارد آن شوند، در این صورت، می‌توان گفت که حق داشتن خلوت در منزل، از حقوق اخلاقی مردم است... اما نمی‌توان تصور کرد که حق خلوت افراد به حفظ اماکن فیزیکی محدود باشد، می‌توان گفت: این حق، «کنترل اطلاعات» مربوط به زندگی شخص را نیز دربر می‌گیرد، از جمله اطلاعاتی که دیگران با استفاده از آن می‌توانند به شخص صدمه بزنند، در این مفهوم، حق خلوت، حق جلوگیری از افشای این‌گونه اطلاعات به دیگران است.<sup>۱</sup>

البته باید توجه داشت که گسترده‌تر شدن مفهوم حریم خصوصی، به مقدار زیادی تحت تأثیر توانمند شدن بیشتر انسان‌ها، در اثر استفاده از ابزارهای جدید، برای دخالت در زندگی دیگران بوده است، مثلاً در اصلاحیه چهارم قانون اساسی آمریکا، آمده است که «حق افراد در برابر بازرسی و توقیف بی‌دلیل آنها و نیز منازل، اوراق و لوازم آنها از سوی دولت محفوظ است»، در گذشته، از این ماده قانونی استفاده می‌شد که مأموران دولت، بدون حکم بازرسی نمی‌توانند به تفتیش در منازل پردازند، ولی در قرن هجدهم نویسندگان و تصویب‌کنندگان این اصلاحیه، تصویری از فناوری‌های جدید برای کسب اطلاع از زندگی خصوصی افراد در خانه‌هایشان بدون ورود به فضای فیزیکی آنها نداشتند، مثلاً در آن موقع، استراق سمع از راه تلفن، امری ناشناخته به نظر می‌رسید، و دولت برای جمع‌آوری اطلاعات، چاره‌ای جز ورود به ملک شخص و بازرسی نداشت، لذا در آن وقت، استراق سمع تلفنی، مشمول این ماده تلقی نمی‌شد، ولی سپس دیوان عالی کشور، همین ماده را درباره حریم خصوصی به دو جنبه «فضای فیزیکی» و «بُعد اطلاعاتی» تفسیر کرد، و استراق سمع را «تجاوز اطلاعاتی» دانست.

بخش سوم در منطقه زندگی خصوصی، «تصمیم‌گیری خصوصی» است، یعنی حق حریم خصوصی، دولت و اشخاص را از مداخله در تصمیم‌های شخصی افراد، منع می‌کند، مثل تصمیم به سقط جنین، یا تصمیم به مصرف داروهای ضد بارداری، این بخش، مورد توافق همه نیست، و مخالفان جدی دارد.

۱. آلمن، درآمدی بر فلسفه حقوق، ص ۱۳۱.

باتوجه به این اختلاف نظرها، می‌توان به این نتیجه رسید که بحث از گستره حریم خصوصی، یک بحث «مفهومی» و لفظی نیست، و برای یافتن پاسخ این پرسش که حریم خصوصی شامل چه چیزهایی می‌شود یا نمی‌شود، نمی‌توان از راه کندوکاو در مفهوم، به پاسخ رسید، بلکه در اینجا با یک بحث ماهوی روبه‌رو هستیم، و هرگونه پاسخ، نیازمند آن است که براساس مبنای خاصی، ملاک خصوصی بودن را مشخص کرده باشیم.

### گفتار دوم: قلمرو حریم خصوصی

برای درک روشن‌تری از حریم خصوصی، به جای تأمل در «مفاهیم» و کاوش معانی الفاظ، بهتر است به بررسی مواردی پردازیم که می‌تواند در این قلمرو قرار بگیرد، این کار به شکل روشن‌تر و ساده‌تری ما را به گستره این حق نزدیک می‌کند. در حالی که اگر بر سر مفاهیمی مانند «خصوصی»، «خلوت» «تنهایی» و مانند آنها به بحث پردازیم، علاوه بر اینکه این مفاهیم با یکدیگر متفاوت‌اند و معلوم نیست کدام‌یک را باید مبنا قرار داد، با این مشکل هم روبه‌رو خواهیم بود که تعریف روشن و دقیقی نیز از هر یک از این مفاهیم وجود ندارد. بر این اساس، با توجه به درک ارتكازی خود از این مفاهیم، می‌توانیم درباره موارد آن به بحث پردازیم.

#### ۱. حریم مکانی

هر شخص، در فضای فیزیکی زندگی خود، از حق حریم خصوصی برخوردار است، از این رو بدون اجازه او نمی‌توان به منزلش وارد شد، این حکم، درباره هرگونه فضای سکونت، یا استفاده تا وقتی که جنبه اختصاصی داشته باشد، جاری است: خانه، چادر خیمه، اتاق استیجاری هتل، کوبه قطار و حتی فضای خودروی شخصی در صورتی که از پنجره آن چیزی قابل رؤیت نباشد.

ولی آیا علاوه بر این مکان‌های اختصاصی، می‌توان در «مکان‌های عمومی» نیز از حق خلوت برخوردار بود؟ یک پاسخ این است که:

علاوه بر منزل، افراد ممکن است در مکان عمومی یا حتی مکان خصوصی دیگری غیر از منزل، خلوت کنند، فردی که خلوت و تنهایی اختیار کرده است، اگر اقدامش مخالف با قوانین نباشد، حریم خلوت او باید مورد حمایت قرار گیرد، نیاز به خلوت، نیاز فطری است...<sup>۱</sup>

۱. انصاری، حقوق حریم خصوصی، ص ۱۵۹.



ولی این پاسخ، چندان روشن و قابل قبول نیست، زیرا در مکان‌های عمومی، در صورتی که شخص مجاز به برقرار ساختن یک فضای اختصاصی برای خود باشد - مانند چادر زدن در پارک برای استراحت، و یا خیمه زدن در مسجد برای اعتکاف - قهراً این مکان، جنبه اختصاصی پیدا کرده، و مشمول حق خلوت قرار می‌گیرد، ولی اگر چنین محدوده‌ای مشخص نگردد و برای شخص فضایی اختصاص نیافته باشد - مثل اینکه فردی در کنار پارک یا رودخانه خلوت گزیده است - در اینجا هر چند ایجاد مزاحمت بدون دلیل، از نظر اخلاقی و شرعی، جایز نیست و باید «حق اولویت» او در بهره‌مندی از آن مکان رعایت شود، ولی این کار نقض حریم خصوصی تلقی نمی‌شود، زیرا حریم خصوصی، حق معطوف به «زندگی خصوصی» است، و روشن است که در یک مکان عمومی، زندگی خصوصی داشتن، معنی ندارد. به سخن دیگر، حریم خصوصی، حریمی نیست که شخص «می‌خواهد» تنها باشد؛ زیرا خواستن و مایل بودن، و یا در صدد برآمدن و تلاش کردن، یک مکان «عمومی» را به فضای «خصوصی» برای یک یا دو شخص، تبدیل نمی‌کند، بلکه وقتی در مکان عمومی، بتوان یک فضای اختصاصی متمایز ایجاد کرد و با محصور کردن آن مانع از دید دیگران شد، حریم خصوصی، تحقق یافته است.

ولی به نظر می‌رسد که به گونه دیگری می‌توان از حق خلوت در برخی مکان‌های عمومی دفاع کرد. توضیح آنکه مکان‌های عمومی، سه گونه‌اند:

الف) مکان‌های عمومی مانند خیابان، بازار و ادارات که با اختصاص یافتن به شخص منافات دارد و همیشه، برای همه، باید عمومی باشد، این‌گونه مکان‌های عمومی، قابلیت آنکه برای شخص، جنبه خصوصی پیدا کند، ندارد.

ب) مکان‌های عمومی که قابلیت خصوصی شدن دارد مثل پارک‌ها، ولی این قابلیت نباید در جهت منع استفاده دیگران باشد، از این رو شخص ممکن است مجاز باشد با برپا کردن یک خیمه، برای خود حریم خصوصی داشته باشد، ولی نمی‌تواند از دیگران انتظار داشته باشد که از او کاملاً فاصله بگیرند تا او از «خلوت» برخوردار باشد. این نوع حق برای داشتن خلوت، در فضاهایی که برای عموم تهیه و تدارک دیده می‌شود، با عمومی بودن منافات دارد.

ج) مکان‌های عمومی که علاوه بر قابلیت عام برای «خصوصی بودن»، قابلیت خاص برای بهره‌مندی از «حق خلوت» دارد، به گونه‌ای که این حق، نه حق استفاده اختصاصی دیگران را نفی می‌کند، و نه حتی با حق داشتن خلوت برای آنها مزاحم است، در این

صورت، شخص مجاز است تا موقعیتی را برای «خلوت» خود انتخاب کند، و در این صورت، او از این حق برخوردار خواهد بود.

درحقیقت این قسم سوم دارای دو ویژگی است: یکی آنکه عمومی بودن آنها به معنی آن است که هرکس حق دارد از آن استفاده و بهره‌ اختصاصی داشته باشد، و دیگر آنکه استفاده اختصاصی هرکس، به دلیل گستردگی فضای عمومی، محدودیتی برای دیگران به وجود نمی‌آورد. مثلاً اندیشمندی می‌خواهد در گوشه‌ای از یک تفرجگاه پهناور جنگلی و به دور از دیگران، به فکر و مطالعه بپردازد، و یا عابدی می‌خواهد در یک وادی گسترده، محلی را برای ذکر و عبادت خود اختصاص داده و از «خلوت» بهره‌مند شود، و یا خانواده‌ای می‌خواهند در کنار رودخانه‌ای، از چشم و نگاه دیگران دور بوده و به تفریح و ورزش و بازی بپردازند و... در این موارد هر یک از آنها، اولاً حق انتخاب دارند، و ثانیاً باید انتخاب آنان از سوی دیگران محترم شمرده شود. دلیل این مسئله «قاعده من سبق» است که هم اعتبار عقلایی دارد و هم در نصوص دینی مورد تأیید قرار گرفته است.

مفاد قاعده این است اگر فردی در استفاده از مکان‌های مشترک و یا عام پیش دستی کند و جایی را به خود اختصاص دهد، از «حق» اولویت برخوردار است، این قاعده، علاوه بر اینکه شامل «هر فردی» می‌شود، از دو جهت اطلاق و شمول دارد: یکی نسبت به «هر مکان» مشترک و عمومی، و دوم نسبت به سبقت «برای هر کاری» از این رو، از این قاعده هم در مسجد برای کسی که زودتر جایی را برای عبادت اشغال می‌کند، و هم برای سبقت احیای اراضی موات، و هم برای سبقت در استفاده از محل‌های عمومی کسب، و بسیاری موارد دیگر، استفاده شده است.<sup>۱</sup>

بر این اساس، چنان که اگر فردی در چنین مکان‌هایی، با زدن چادر، مکانی را به خود اختصاص دهد، از حقی نسبت به آن مکان برخوردار شده و نباید مزاحم او شد. همچنین اگر فردی در این‌گونه مکان‌ها، جایی برای «خلوت» خود برگزیند تا مطالعه کند، یا ورزش کند، یا به استراحت بپردازد، یا با خانواده بگذرانند، یا... این سبقت، منشأ حق برای او می‌شود، و چون «حق» ناشی از سبقت، «متناسب» با همان کار و برنامه‌ای است که شخص انتخاب کرده است،<sup>۲</sup> از این رو وقتی «خلوت» مطلوب باشد و بتوان آن را انتخاب

۱. درباره احیای اراضی موات: شیخ طوسی، المسوط، ج ۳، ص ۲۶۸؛ درباره مسجد: محقق حلّی، الشرایع، ج ۳، ص ۲۲۱؛ درباره بازار: علامه حلّی، تحریر الاحکام، ج ۲، ص ۲۵۱؛ درباره مدارس: شهید ثانی، مسالک الافهام، ج ۱۲، ص ۴۳۶، به این قاعده استناد کرده‌اند. ۲. مکارم شیرازی، القواعد الفقهیه، ج ۲، ص ۱۴۴.

کرد، پس فضایی متناسب با آن، در قلمرو حق شخص قرار می‌گیرد و قهراً مزاحمت با این حق، جایز نیست.

محقق اصفهانی در تفسیر این قاعده می‌گوید: این جمله به دلالت مطابقی می‌فهماند که هرکس مجاز است نسبت به چیزی که دیگران سراغش نرفته‌اند، اقدام کند و آن را در اختیار بگیرد، و به دلالت التزامی هم می‌فهماند که ایجاد مزاحمت برای او جایز نیست، زیرا هر جا که حقی برای کسی پذیرفته می‌شود، دیگران نباید مزاحمتی ایجاد کنند.<sup>۱</sup> و چون برای کسی که می‌خواهد در خلوت و تنهایی باشد، نزدیک شدن، و یا نگاه کردن، ایجاد مزاحمت است، لذا نباید مرتکب آن گردید.

#### نقض حریم مکانی

نقض حریم مکانی، الزاماً با «حضور فیزیکی» در مکان اختصاصی دیگران، اتفاق نمی‌افتد، این کار روشن‌ترین مصداق نقض حریم خصوصی است، زشت‌تر از آن، وارد شدن به خانه دیگری از طریق به کارگیری وسایل سمعی و بصری، و کنترل خلوت اوست که معمولاً به شکل مخفی صورت می‌گیرد، اگر حریم خصوصی، از توابع حق «مالکیت» بود، قهراً وقتی که شخص وارد بر ملک دیگری نمی‌شود، و از بیرون به استراق سمع و یا فیلمبرداری اقدام می‌کند، تصرف در ملک او نکرده و به جرم «غصب»، قابل مجازات نیست، ولی به دلیل آنکه حریم خصوصی، «حق شخص» است و در جهت حفظ شخصیت و کرامت انسان اعتبار می‌شود، از این رو تصویربرداری از خلوت شخص، ورود به خلوت او به حساب می‌آید و نقض حریم خصوصی شمرده می‌شود.

درباره «نگاه به دیگران» و یا تصویربرداری از آنها در «مکان‌های عمومی»، گفته شده است:

بر طبق دکترین رؤیت آشکار، مسافران وسایل نقلیه‌ای که در معرض رؤیت آشکار عابران هستند در برابر نگاه‌های عابران کنجکاو حمایت نمی‌شوند، چنانچه روزنامه‌نگاری از راننده‌ای در حال رانندگی عکسی گرفته باشد، و یا از مالک داروخانه‌ای که در حال فروش داروهای ممنوع به مشتریان است، علیه روزنامه‌نگار نمی‌توان طرح دعوا کرد.<sup>۲</sup>

۱. اصفهانی، حاشیه کتاب المكاسب، ج ۳، ص ۲۳؛ ر.ک: خوانساری، منیة الطالب، ج ۱، ص ۳۴۲.

۲. انصاری، حقوق حریم خصوصی، ص ۱۶۴.

این نظریه نیز قابل نقد است، زیرا کسی که کاری را علناً و آشکارا، آن هم در محل عمومی انجام می‌دهد، «نمی‌تواند» انتظار داشته باشد که کسی به او «نگاه» نکند، ولی این شخص «می‌تواند» انتظار داشته باشد که «رفتارش» به شکل «عکس یا فیلم»، ضبط نشود، چه اینکه می‌تواند انتظار داشته باشد که آن عکس یا فیلم پخش نشود.

دلیل این عدم رضایت آن است که گاه شخص در شرایط اختیاری و یا غیر اختیاری، در وضعی قرار می‌گیرد که نمی‌خواهد رفتارش ثبت شود، در نظر بگیرید فردی که در حال عبور از خیابان، و در کنار مقداری زباله پایش لغزیده و به زمین خورده است، و در همان لحظه که لباسش آلوده و وضع نامناسبی دارد، تصویری از او تهیه می‌شود! آیا در معرض رؤیت قرار داشتن، به معنی رضایت داشتن به عکس گرفتن است؟! همچنین ممکن است افراد زیادی، در محل‌های عمومی مانند خیابان، پارک، سینما و مترو، مرتکب یک عمل ناهنجار می‌شوند، و هرگز رضایت به تصویربرداری از آن ندارند.

## ۲. حریم جسمی

حریم جسمی شخص، بخشی از حریم خصوصی او را تشکیل می‌دهد و به معنی آن است که هرگونه اقدامی درباره «جسم دیگری» باید با رضایت او انجام شود. این اقدام می‌تواند توقیف شخص در یک مکان، و یا بازرسی و تفتیش بدنی از او باشد. نمونه‌های جدید نقض حریم جسمی، آزمایش‌های پزشکی است که بدون رضایت شخص، اتفاق می‌افتد. هم‌اینک گرفتن خون برای آزمایش‌های مواد مخدر یا مصرف الکل، در بسیاری از کشورها، جنبه قانونی به خود گرفته است، همچنین گاه شخص مظنون به بلعیدن مواد مخدر را شستشوی معده می‌دهند. تشخیص هویت از طریق مشخصات جسمی، مانند انگشت‌نگاری، نمونه دیگری از ورود به حریم شخصی است.

افشای برخی اطلاعات مربوط به جسم دیگران، گاه عوارض سخت و ناگواری بر جای می‌گذارد، مثلاً به گزارش برخی مطبوعات، افشای اطلاعات ژنتیک یک شخص، در موارد متعددی، باعث از دست دادن شغل، بیمه درمان، بیمه عمر، و... شده است.<sup>۱</sup>

برخی نویسندگان، «عقاید» را هم یکی از جنبه‌های حریم «جسمانی» دانسته و «تفتیش عقاید» را از این جهت، نقض حریم خصوصی دانسته‌اند.<sup>۲</sup> ایراد آشکار این‌گونه طبقه‌بندی

۱. ر.ک: نشریه هدف و اقتصاد، تاریخ ۱۳۸۵/۸/۱۷. ۲. انصاری، حقوق حریم خصوصی، ص ۱۸۳.

آن است که «امور معنوی» از قبیل «عقیده و احساس» اشخاص را نمی‌توان، زیرمجموعه «حریم جسمانی» آنان دانست، این اعتراض، بدان معنی نیست که تفتیش عقاید، جایز است، بلکه مقصود این است که وقتی حریم «جسمی» شخص مورد حمایت قرار می‌گیرد، نباید با یک «تعمیم» اشتباه، و در اثر خلط امور مادی با امور روحی، احکام جسم را به حوزه روح انسان، سرایت دارد، از این رو بهتر است که این‌گونه موارد را در دایره «حریم شخصیت» قرار دهیم و بر مبنای نقض حریم شخصیت، درباره آن داوری نماییم.

همچنین از «تمامیت جسمی» در حریم خصوصی، استفاده شده است که دخالت در کیفیت پوشش، مدل لباس و شیوه آرایش، نقض حریم خصوصی است. یکی از اساتید حقوق کیفری در این باره می‌گوید:

آنچه در اصل ۲۲ قانون اساسی از آن به عنوان تمامیت جسمانی افراد نام برده شده، شامل طرز پوشش هم می‌شود، یعنی حریم خصوصی مربوط به تمامیت جسمی شامل نوع پوشش افراد هم هست، از سال ۱۳۰۰ شمسی تاکنون در دو مورد شاهد و ناظر دخالت دولت در حریم خصوصی مربوط به تمامیت جسمی افراد بوده‌ایم، در سال ۱۳۶۷ پلیس در حریم خصوصی مربوط به تمامیت جسمانی افراد دخالت می‌کرد و موهای بلند مردان را از ته می‌تراشید.<sup>۱</sup>

با صرف نظر از اینکه آیا این داوری از نظر تاریخی و به لحاظ بررسی مسائل اجتماعی کشور در دهه‌های اخیر، منصفانه است یا نه؟ درباره تفسیری که از «تمامیت جسمانی» انجام شده، نمی‌توان موافقت داشت؛ زیرا «تمامیت جسمی»، مقوله‌ای جدا از «طرز پوشش» است، نوع لباس، مدل پوشش، و کیفیت آرایش، علاوه بر آنکه گویای «سلیقه شخصی» بوده و در حوزه زندگی شخصی قرار می‌گیرد، گویای یک تیپ اجتماعی، و نمادی از هویت فرهنگی، ملی، و دینی است. نوع پوشش «انتقال‌دهنده» یک پیام خاص است که آثار اجتماعی و روانی آن در جامعه، انکارناپذیر است. از این رو در جوامع مختلف، اشخاص وظیفه دارند که در هر محیط، از پوشش مناسب آن، استفاده کنند. اشکال اساسی این‌گونه تفسیرها آن است که رفتارهایی را که دارای جنبه‌های دوگانه «شخصی» و «عمومی» است، صرفاً در حوزه زندگی خصوصی، قرار داده می‌شود و از آثار عمومی آن غفلت می‌گردد.

۱. نشریه شرق، ۱۳۸۶/۲/۲۴.

شگفت‌آور است کسانی که سیگار کشیدن را به دلیل عوارض آن برای دیگران، در محیط‌های عمومی، مجاز نمی‌دانند، چشم خود را بر عوارض برهنگی و لباس‌ها و آرایش‌های مهیج، می‌بندند و آن را صرفاً امری شخصی تلقی می‌کنند!<sup>۱</sup>

### ۳. حریم شخصیت

آنچه دربارهٔ حرمت حریم مکانی و حریم جسمانی انسان‌ها مطرح می‌شود، درحقیقت، بازتابی از حریمی است که برای «شخصیت انسان» وجود دارد، یعنی چون شخصیت انسان محترم بوده و باید از تعرض مصون باشد، لذا آنچه که مربوط انسان می‌شود و از آن جمله مکانی که در آن زندگی می‌کند، از حرمت برخوردار است.

حریم شخصیت، اقتضا می‌کند آنچه که ورود به شخصیت دیگران شمرده می‌شود و به توهین و ناراحتی آنان می‌انجامد، ممنوع باشد. مثلاً «نام افراد»، با شخصیت آنان ارتباط داشته و نمادی از هویت ایشان به حساب می‌آید، از این رو نباید مورد تعرض قرار گیرد، همچنین هرگونه «بدگویی» و «دشنام»، تعرض کردن به شخصیت است. عقاید، افکار و عواطف نیز بخشی از شخصیت هر فرد را تشکیل می‌دهد که تفتیش یا توهین به آنها، به حکم اصل اولی ممنوع است.

گاه ورود به شخصیت انسان‌ها، و اقدام برای تغییر در احساسات و گرایش‌های درونی آنها، به شکل مخفی، و با استفاده از شیوه‌های غیر مستقیم صورت می‌گیرد و در نتیجه، پس از مدتی، شخص بی‌آنکه متوجه باشد، به شکل ناخواسته و غیر ارادی در معرض دگرگونی‌های روحی و روانی قرار می‌گیرد. مثلاً کسی که «تصمیم» به تماشا کردن یک فیلم دارد و آن را «انتخاب» کرده است، در میان پخش فیلم، ناگاه با آگهی‌ها و تبلیغات تجاری مواجه می‌شود، در این وضع، اگر وی تمایلی به دیدن میان‌پرده نداشته باشد، این امکان برای او وجود ندارد که برای چند لحظه سینما را ترک کند، و یا خود را به کار دیگری مشغول کند، در چنین شرایطی، سینما یا تلویزیون، افراد را در فضایی که نخواسته‌اند، قرار داده و آنان را به شکل قهری، به تماشا مجبور می‌کنند. آیا چنین اقداماتی که با هدف تأثیرگذاری در عواطف و سلیقه‌های بینندگان انجام می‌شود، با حقوق آنان سازگار است؟

۱. البته آنچه را گوینده به قانون اساسی نسبت داده است، صحیح نیست، در قانون اساسی، نامی از «تمامیت جسمانی» برده نشده است اصل ۲۲، چنین است: «حیثیت، جان، مال، حقوق، مسکن و شغل اشخاص، از تعرض مصون است. مگر در مواردی که قانون تجویز کند».